

The Effect of the Tax on Entrepreneurship in Iran

Kazem Abedzadeh*, Behzad Salmani**, Mohammadreza Salmani Bishkek***

Original Article	Receive Date: 2025 Jul 21	Accept Date: 2025 Oct 05	Page: 607-634
------------------	---------------------------	--------------------------	---------------

Abstract

Taxation is one of the most sensitive policy tools of governments. Its proper use can lead to the development of any economic sector, including entrepreneurship. This study aimed to examine the impact of taxation on entrepreneurship in the country. Since data has only been published for some variables up to 2019, the data range used was for Iran during the years 2005-2019. Due to the scarcity of research data and the major advantage of fuzzy regression in these cases, this method was used to estimate the model presented in the study. The results showed that taxation hurts entrepreneurship. This negative impact can be due to the complexity of the tax system, the multiplicity of tax laws and circulars, and the large number of legal obligations, which increase the explicit and implicit costs for entrepreneurs. In addition, the impact of the variables of start-up time and foreign direct investment was also negative on entrepreneurship; however, the impact of the variables of start-up costs and GDP per capita on entrepreneurship was positive.

Keywords: Entrepreneurship, Foreign direct investment, Fuzzy Logic, Tax System

JEL Classification: G28, K34, F21, C61.

* PhD Student in International Economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran
Abedzadeh.kazem@gmail.com

** Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran
(Corresponding author)
b_salmani@tabrizu.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran
mrsalmani@tabrizu.ac.ir

تأثیر نظام مالیاتی بر کارآفرینی در ایران

کاظم عابدزاده*، بهزاد سلمانی**، محمدرضا سلمانی بیشک***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳	شماره صفحه: ۶۰۷-۶۳۴
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

چکیده

مالیات یکی از حساس‌ترین ابزارهای سیاستی دولت‌هاست. استفاده صحیح از آن می‌تواند باعث توسعه هر بخش اقتصادی از جمله کارآفرینی شود. هدف این پژوهش بررسی تأثیر مالیات بر کارآفرینی در کشور بود. به دلیل اینکه برای بعضی از متغیرها تنها تا سال ۱۳۹۶ داده منتشر شده است بازه داده‌های استفاده شده در طی سال‌های ۱۳۹۶-۲۰۰۵ برای ایران بود. به دلیل کم بودن داده‌های تحقیق و مزیت عمده رگرسیون فازی در این موارد، از این روش برای تخمین مدل، استفاده شد. نتایج نشان‌دهنده این بود که مالیات روی کارآفرینی تأثیر منفی دارد. این تأثیر منفی می‌تواند در اثر پیچیدگی نظام مالیاتی، تعدد قوانین و بخش‌نامه‌های مالیاتی و تعداد زیاد تکالیف قانونی باشد که موجب افزایش هزینه‌های آشکار و پنهان برای کارآفرین می‌شود. همچنین تأثیر متغیرهای زمان راه‌اندازی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز بر کارآفرینی منفی به دست آمد؛ ولی در مقابل تأثیر متغیرهای هزینه‌های راه‌اندازی و تولید ناخالص داخلی سرانه بر کارآفرینی مثبت بود.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کارآفرینی، منطق فازی، نظام مالیاتی

طبقه‌بندی JEL: G28, F21, K34, C61

این مقاله برگرفته از رساله دکترای نویسنده اول است.

Abedzadeh.kazem@gmail.com

* دانشجوی دکترای اقتصاد بین‌الملل، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

b_salmani@tabrizu.ac.ir

** استاد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

mr.salmani@tabrizu.ac.ir

*** دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

فصلنامه مجلس و اقتصاد، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

DOI: 10.22034/mec.2025.18206.1135

۱- مقدمه

طی چندین دهه، اثر سیاست‌های مالیاتی بر کارآفرینی موضوع پژوهش‌های گسترده‌ای از سوی متخصصان و صاحب‌نظران بوده و به طرح دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه انجامیده است. در سال‌های اخیر، با تأکید بر کاهش نقش دولت در اقتصاد و ظهور استارت‌آپ‌ها، تمرکز اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای به‌سوی کارآفرینی و آغاز کسب‌وکارهای جدید سوق پیدا کرده است. کارآفرینی همراه با نوآوری به یکی از عناصر اساسی اقتصاد تبدیل شده است و باتوجه به تأثیر قابل توجه کسب‌وکارهای کوچک بر اشتغال و تحریک رشد اقتصادی کشورها، سیاست‌گذاران توجه بیشتری را به این حوزه معطوف کرده‌اند. این وضعیت موجب ارتقای اهمیت کارآفرینی به‌عنوان یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد هر کشور شده است.

موفقیت یک کسب‌وکار وابسته به مجموعه‌ای از عوامل است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها سیاست‌های مالیاتی محسوب می‌شود. مالیات، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین ابزارهای سیاستی، می‌تواند در شرایط رکود یا تورم نقش مهمی در تثبیت اقتصاد ایفا کند و از نوسانات شدید جلوگیری کند. مدیریت صحیح این ابزار در مواجهه با بحران‌های اقتصادی می‌تواند هدایت اقتصاد را در مسیر مطلوب تسهیل کند. در زمینه کسب‌وکارهای نوپا، سیاست‌های مالیاتی شامل ترکیبی از روش‌های تشویقی (حمایتی) و مالیات‌ستانی است که بسته به نحوه طراحی و اجرا ممکن است موجب تقویت یا محدودسازی فعالیت‌های کارآفرینانه شود.

در ایران، نظام حمایت مالیاتی به‌گونه‌ای طراحی شده که تنها تحت شرایط خاص و با رعایت معیارهای تعیین شده قابل استفاده است. بر اساس قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها مصوب ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی، همچنین بر اساس قانون جهش تولید دانش‌بنیان مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۳۱ (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴) و نیز آیین‌نامه ارزیابی و حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان مصوب کارگروه دائم شورای راهبری فناوری‌ها و تولیدات دانش‌بنیان^۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۳۱، می‌توان خلاصه‌ای درباره معافیت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان بیان نمود. بر اساس این قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی، شرکت‌های دانش‌بنیان به سه دسته «نوپا»، «نوآور» و «فناور» تقسیم می‌شوند. شرکت نوپا در صورتی که حداقل یک محصول در مقیاس آزمایشگاهی داشته باشد، مشمول معافیت می‌شود. دانش‌بنیان نوآور در صورت تأمین تمامی این شرایط مشمول معافیت مالیاتی است: تولید تجاری یک محصول دانش‌بنیان، درآمد عملیاتی بیش از ۵۰ میلیارد ریال، ارائه برنامه رشد، کمتر از ۵۰ درصد بودن سهم فروش محصول دانش‌بنیان از فروش کل شرکت. دانش‌بنیان فناور نیز در صورت تأمین تمامی این شرایط مشمول معافیت مالیاتی است: تولید تجاری یک محصول دانش‌بنیان، درآمد عملیاتی بیش از ۵۰ میلیارد ریال، داشتن ۱۰ نفر نیروی بیمه‌شده تمام‌وقت، سهم فروش محصول دانش‌بنیان از فروش کل شرکت

۱. کارگروه دائمی شورای راهبری فناوری‌ها و تولیدات دانش‌بنیان موضوع ماده ۸ قانون جهش تولید دانش‌بنیان مصوب مجلس شورای

حداقل ۵۰ درصد. در صورتی که یکی از موارد تأمین نشود یا شرکت توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری تأیید نشود و محصولات آن در فهرست فناوری‌های پیشرفته قرار نداشته باشد، مشمول این معافیت نمی‌شود؛ بنابراین، در مجموع می‌توان اظهار داشت همه شرکت‌های دانش بنیان معاف از مالیات نیستند.

همچنین بر اساس ماده‌های ۸۱، ۱۳۲ الی ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم^۱ (سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی، ۱۴۰۴)، کسب‌وکارهایی که از انواع زیر باشند (اعم از نوپا و غیرنوپا) از معافیت‌های مرتبط برخوردار هستند: کارگاه‌های فرش دستباف و صنایع دستی، مؤسسات فرهنگی و آموزشی، شرکت‌های معدنی، بیمارستان‌ها و مراکز دیگر از جمله هتل‌ها و مراکز گردشگری، فعالان اقتصادی در مناطق کمتر توسعه یافته، شرکت‌های تعاونی، شرکت‌ها با فعالیت در حوزه خیریه، شرکت‌ها در زمینه کشاورزی، شرکت‌های دانش بنیان، مراکز نگهداری برای تربیت نوجوانان و کودکان یا معلولین. سایر کسب‌وکارهای نوپا که در این دسته بندی‌ها نباشند، مشمول معافیت نخواهند بود.

از سوی دیگر، کسب‌وکارهای نوپای دیگر که در حوزه‌های دیگر به فعالیت مشغول هستند و مشمول دسته بندی‌های دیگر نیستند، به طور کلی از چنین تسهیلات مالیاتی برخوردار نخواهند بود. مطابق گزارش «دیده بان جهانی کارآفرینی» (۲۰۱۹)، فعالیت‌های کارآفرینی در ایران شامل عمده‌فروشی و خرده‌فروشی (۲۸ درصد)، بهداشت و آموزش (۱۷ درصد)، ساخت (۱۱.۱ درصد)، خدمات (۱۰.۶ درصد)، فناوری (۱۰.۲ درصد)، کشاورزی (۶.۳ درصد)، اداری (۴.۳ درصد)، خدمات شخصی (۲ درصد) و بخش مالی (۱.۹ درصد) بوده‌اند (سایت دیده بان جهانی کارآفرینی، ۲۰۲۵) که نشان می‌دهد طیف وسیعی از کسب‌وکارهای نوپا از معافیت مالیاتی بی‌بهره هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، قسمت عمده‌ای از کسب‌وکارهای نوپا مشمول مالیات می‌شوند و در این صورت سیاست‌های مالیات‌ستانی در این موارد تأثیرگذاری قابل توجهی خواهند داشت.

سیاست‌های مالیاتی، برخلاف سیاست‌های حمایتی، می‌توانند با کاهش درآمد قابل تصرف صاحبان کسب‌وکار پس از اعمال مالیات (استن کولا^۲، ۲۰۱۲) یا کاهش جذابیت نسبی بازده این کسب‌وکارها در مقایسه با حوزه‌های دیگر، احتمالاً موجب کاهش فعالیت‌های کارآفرینی شوند. افزون بر این، پیچیدگی قوانین مالیاتی سبب افزایش هزینه‌های مربوط به درک و رعایت این مقررات برای کسب‌وکارها می‌شود و امکان سوءاستفاده از سیستم پیچیده مالیاتی را برای افراد سودجو فراهم می‌کند که به نوبه خود، کسب‌وکارها را آسیب پذیرتر می‌سازد (الرت و همکاران^۳، ۲۰۱۹). بر همین اساس، سیاست‌های مالیاتی دولتی ممکن است فشار مضاعفی بر بخش کارآفرینی وارد کرده و فضای کسب‌وکار را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به اینکه سیاست‌های مالیاتی دولت در حوزه کارآفرینی و کسب‌وکار می‌تواند هم به عنوان عاملی برای افزایش فشار بر فعالیت‌های اقتصادی عمل کند و هم به تقویت این حوزه کمک کند، تأثیر مالیات بر کارآفرینی همچنان نامشخص به نظر می‌رسد. از این رو، به دلیل پیچیدگی این موضوع، ضروری است که تأثیر مالیات بر کارآفرینی به شکل دقیق مورد بررسی قرار گیرد. در کشور ایران نیز، با توجه به نقش کلیدی کارآفرینی و شرکت‌های دانش بنیان در ایجاد

۱. قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی

2. Stenkula

3. elert et al.

اشتغال و رشد اقتصادی و همچنین تمرکز بیشتر دولت بر درآمدهای مالیاتی پس از کاهش درآمدهای نفتی ناشی از تحریم‌های گسترده، مطالعه اثرات مالیات بر فعالیت‌های کارآفرینی و کسب‌وکارهای نوپا می‌تواند برای سیاست‌گذاران بسیار حائز اهمیت باشد. این بررسی نه تنها در شناخت بهتر وضعیت موجود مؤثر خواهد بود، بلکه می‌تواند نقش مؤثری در تدوین سیاست‌های مناسب و کارآمد برای سیاست‌گذاران حوزه کارآفرینی ایفا کند. به همین منظور و به دلیل ابهام در تأثیر مالیات بر کارآفرینی، تحقیق حاضر بر آن است که به این سؤال اصلی پاسخ دهد که تأثیر نظام مالیاتی بر کارآفرینی در ایران چگونه است. از این رو، در این تحقیق تأثیر مالیات روی کارآفرینی در ایران در طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۹ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ادامه، بعد از مقدمه، در بخش دوم ادبیات موضوع، در بخش سوم مدل تحقیق، در بخش چهارم یافته‌های تحقیق و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها مرتبط مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

مالیات از راه‌های مختلف می‌تواند بر رفتارهای کارآفرینی تأثیر بگذارد. یکی از این تأثیرات، کاهش سودآوری ناشی از مالیات بر درآمد پس از مالیات‌گیری^۱ است. این امر می‌تواند خوداشتغالی و کارآفرینی را کمتر جذاب کند و همچنین هزینه‌های توسعه کسب‌وکار در مراحل بعدی را افزایش دهد. در نتیجه، افراد ممکن است از آغاز کسب‌وکارهای جدید دلسرد شوند (استن کولا، ۲۰۱۲). اگر سبد انتخاب‌های افراد را به صورت ترکیبی از کار و استراحت در نظر بگیریم، مالیات بیشتر می‌تواند با کاهش درآمد بعد از مالیات، تمایل افراد به جایگزینی استراحت با کار را افزایش دهد؛ این پدیده به «اثر جانشینی مالیات» مشهور است. درعین حال، اثر دیگری با عنوان «اثر درآمدی» وجود دارد که طبق آن کاهش سود و کاهش درآمد قابل تصرف ناشی از مالیات می‌تواند افراد را به تلاش بیشتر برای حفظ سطح استاندارد زندگی ترغیب کند (کارول و همکاران^۲، ۲۰۱۲). این واکنش به عنوان «اثر گریزی^۳ مالیات» شناخته می‌شود.

مالیات تأثیر قابل توجهی بر عرضه کارآفرینان بالقوه و میزان تلاش آن‌ها در اقتصاد دارد. افزایش مالیات بر درآمد کارآفرینان، پاداش مورد انتظار پس از کسر مالیات را کاهش می‌دهد و این امر می‌تواند تأثیر منفی بر ورود کارآفرینان به بازار، آغاز کسب‌وکارهای جدید، رشد و توان نقدینگی آن‌ها داشته باشد (بالیامونه - لوتز و گارلو^۴، ۲۰۱۴)، (الرت و همکاران^۵، ۲۰۱۹). علاوه بر این، مالیات با تأثیرگذاری بر بازده نسبی فعالیت‌های مختلف می‌تواند نقش مؤثری در انتخاب مسیر کارآفرینی ایفا کند. برخلاف مشاغل مزدبگیر نظیر کارمندی و کارگری که بازده و جریان درآمدی پایدار دارند، کارآفرینی به دلیل ماهیت خود از ثبات کمتری برخوردار است؛ بنابراین، افراد معمولاً میزان مشخصی از نیروی کار خود را میان

1. After-tax

2. carroll et al.

3. Evasion effect

4. Balamoun-Lutz & Garelo

5. elert et al.

بخش های دارای درآمد پایدار و بخش های پرریسک تر توزیع می کنند تا بازده کلی فعالیت های شغلی خود را بهینه سازی کنند. در چنین شرایطی، طراحی «نظام مالیاتی تفکیکی» برای بخش های کم ریسک و پرریسک می تواند نقش بسزایی در تغییر اولویت های سرمایه گذاری ایفا کند و ساختار انگیزشی سرمایه گذاری در فعالیت های کارآفرینانه پرریسک را بسته به نرخ های نسبی مؤثر بازتنظیم کند. به عنوان نمونه، اگر مالیات بالاتری بر مشاغل رسمی نظیر کارگری و کارمندی اعمال شود، این امر ممکن است موجب تشویق افراد به تغییر منبع درآمد خود و حرکت به سمت فعالیت های کارآفرینانه شود. همچنین، از آن جا که درآمد حاصل از کارآفرینی بیشتر به تلاش و مهارت فردی وابسته است، کاهش نرخ مالیات می تواند انگیزه بیشتری برای ورود افراد به این مسیر ایجاد کند. البته باید توجه داشت که خوداشتغالی به دلیل ویژگی هایی نظیر ریسک بالاتر و نیاز به فعالیت بیشتر، نسبت به مشاغل مزدبگیر حساسیت بیشتری به تغییرات یکسان در نرخ مالیات دارد (استن کولا، ۲۰۱۲) و (بروس و شوتس^۱، ۲۰۰۴).

مالیات از طریق سازوکار جبران زیان در حوزه خوداشتغالی و کارآفرینی، نقش تثبیتی خود را آشکار می سازد؛ نقشی که از آن با اثر تأمینی^۲ یاد می شود. این سازوکار، در کنار مالیات های پسینی بازتوزیعی، می تواند نوسان (انحراف) درآمد کسب و کارها را کاهش دهد و در نهایت جذابیت فعالیت های خوداشتغالی و کارآفرینی را افزایش بخشد. از این منظر، حتی در شرایط ریسک گریزی افراد، امکان جبران زیان می تواند - علی رغم اثر کاهنده مالیات بر درآمد - انگیزه لازم برای مشارکت در فعالیت های کارآفرینانه و خوداشتغالی را ایجاد کند (استن کولا، ۲۰۱۲).

افزون بر این، سیاست های مالیاتی توان اثرگذاری بر هزینه سرمایه گذاری افراد را دارند؛ امری که پیامد آن در کسب و کارهای کوچک ظاهر می شود و ممکن است الگوی سرمایه گذاری در میان آن ها را تغییر دهد (بروس و موشین^۳، ۲۰۰۶).

شیوه برخورد با هزینه های تولید در محاسبه مالیات، یکی از عوامل اصلی اثرگذار بر کارآفرینی به شمار می آید. درحالی که بسیاری از هزینه های شرکت ها قابلیت کسر از درآمد مشمول مالیات را دارند، دامنه این امکان برای کارآفرینان (به ویژه در مراحل اولیه و فعالیت های خرد) به مراتب محدودتر است. چنین تفاوت هایی، خصوصاً در مشاغل کارآفرینانه، می تواند انگیزه ورود افراد را تضعیف کند. برای نمونه، اگر بخشی از فضای منزل برای استفاده تجاری تخصیص یابد، هزینه متناظر آن (متناسب با سهم مشارکت در فرایند تولید یا ارائه خدمت) در عمل غالباً با محدودیت یا عدم امکان کسر از درآمد مشمول مالیات روبه روست (گارلی-کالوز و بروس^۴، ۲۰۱۳)، (بروس و موشین، ۲۰۰۶).

از منظر دیگر، مالیات می تواند در انتخاب میان انواع مختلف سازمان دهی کارآفرینی نقش تعیین کننده ای ایفا کند. چنانچه فعالیت اقتصادی در قالب یک شرکت (شخص حقوقی) یا استارتاپ ثبت و سازمان دهی شود، سود آن ذیل نظام مالیاتی اشخاص حقوقی مشمول مالیات قرار می گیرد؛ در مقابل، اگر کسب و کار در قالب غیر شرکتی (مالکیت انفرادی یا مشارکت مدنی) فعالیت کند، درآمد آن تحت نظام مالیاتی اشخاص حقیقی ارزیابی می شود؛ بنابراین، سیاست های

1. Bruce & Schuetze

2. Insurance effect

3. Bruce & Moshin

4. Gurley-Calves & Bruce

مالیاتی نه تنها بر تصمیم آغاز یا عدم آغاز فعالیت اقتصادی اثر می‌گذارند، بلکه بر نحوه ساختاردهی، شیوه مدیریت و تداوم توسعه کسب‌وکار جدید نیز تأثیر قابل توجهی دارند (بروس و موشین، ۲۰۰۶).

در ایران، قوانین مالیاتی متعددی وجود دارد که بر فعالیت و توسعه کسب‌وکارها تأثیر قابل توجهی دارند. در ادامه، مهم‌ترین مواد قانون مالیات‌های مستقیم و برخی قوانین مرتبط که می‌توانند بر عملکرد کسب‌وکارها اثرگذار باشند، با نگارش ویرایش شده و یکدست ارائه می‌شوند:

❖ ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم: صاحبان کسب‌وکار موظف‌اند برای هر سال مالی، مطابق طبقه‌بندی (گروه‌بندی) شغلی خود، اظهارنامه مالیاتی ارائه دهند. عدم تکمیل دقیق اظهارنامه، به‌ویژه در بخش‌های مربوط به معافیت‌ها، یا تأخیر در تسلیم آن، می‌تواند موجب اعمال جریمه‌های مالیاتی، محرومیت از معافیت‌ها و درنهایت افزایش هزینه‌های عملیاتی کسب‌وکار شود.

❖ ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم: شرکت‌ها و اشخاص حقوقی باید پیش از تعیین مالیات پرداختنی، زیان‌های قابل قبول و معافیت‌های قانونی را از درآمد مشمول مالیات کسر کنند. بی‌دقتی در محاسبات می‌تواند پیامدهایی مانند دشوارتر شدن روند اعتراض و طرح شکایات مالیاتی و نیز اعمال جریمه‌های سنگین را به همراه داشته باشد.

❖ ماده ۱۰۶ قانون مالیات‌های مستقیم: تشخیص مالیات بر اساس دفاتر قانونی و اسناد و مدارک مثبت انجام می‌شود. عدم تطابق اطلاعات ثبت شده در دفاتر با واقعیت، فقدان دفاتر قابل‌رسیدگی یا عدم ارائه آن‌ها، می‌تواند منجر به رد دفاتر، تشخیص علی‌الرأس (در حدود مقررات جاری) و کاهش خالص درآمد پس از مالیات به دلیل جرائم شود.

❖ ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم: این ماده نرخ‌های پلکانی مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی را تعیین می‌کند. تبصره آن (با کارکرد تشویقی) مقرر می‌دارد: در صورتی که درآمد ابراز شده نسبت به سال قبل حداقل ۱۰ درصد افزایش داشته باشد، نرخ‌های مقرر برای طبقات درآمدی، به ازای هر ۱۰ درصد افزایش، ۱ واحد درصد کاهش می‌یابند؛ این کاهش حداکثر تا سقف ۵ واحد درصد قابل اعمال است. این مکانیسم می‌تواند بار مالیاتی مؤدیان در حال رشد را تعدیل و انگیزه شفافیت و اظهار کامل درآمد را تقویت کند.

❖ ماده ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم: هزینه‌های استهلاک دارایی‌های ثابت مشمول ضوابط استهلاک و قابل احتساب در بهای تمام شده یا هزینه‌های قابل قبول‌اند. ثبت صحیح و نظام‌مند استهلاک‌ها به کاهش درآمد مشمول مالیات، به‌ویژه برای کسب‌وکارهای نوپا یا سرمایه‌بر، کمک می‌کند و فشار نقدینگی ناشی از بار مالیاتی را تعدیل می‌سازد.

❖ ماده ۱۹۳ قانون مالیات‌های مستقیم: عدم تسلیم ترازنامه و حساب (صورت) سود و زیان در مهلت مقرر، موجب اعمال جریمه‌ای معادل ۲۰ درصد مالیات متعلق خواهد شد. تنظیم دقیق صورت‌های مالی، رعایت استانداردهای گزارشگری و تسلیم به موقع، برای پیشگیری از جرائم و اختلافات بعدی ضروری است.

❖ سایر حمایت‌ها از کسب‌وکارهای نوپا و دانش‌بنیان: بر اساس مقررات حمایتی (ازجمله آیین‌نامه‌های اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان)، شرکت‌های دانش‌بنیان نوپا تا زمانی که در پارک‌های علم و فناوری مستقرند، از معافیت‌های مالیاتی برخوردار می‌شوند. چنانچه خارج از پارک مستقر باشند ولی فعالیت فناورانه

تولیدی داشته باشند، حسب طبقه‌بندی و ارزیابی، از معافیت‌های محدودتر و مشروط بهره‌مند می‌شوند. سایر واحدهای تولیدی غیرفناورانه در چارچوب قوانین، معافیت‌های مدت‌دار دارند و فعالیت‌های صرفاً خدماتی یا غیرتولیدی (در صورتی که مشمول عنوان خاص حمایتی نباشند) از معافیت برخوردار نمی‌شوند. گزارش‌های بین‌المللی (مانند گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی ۲۰۱۹) نشان می‌دهد درصد قابل توجهی از کسب‌وکارهای نوپا واجد شرایط بهره‌مندی از معافیت‌های مالیاتی نیستند (سایت دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ۲۰۲۵).

❖ قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان: این قانون با هدف سامان‌دهی تکالیف قانونی مؤدیان، شفاف‌سازی جریان‌های مالی، جلوگیری از فرار مالیاتی و مقابله با پول‌شویی اجرا می‌شود. بر اساس آن، تمامی صورتحساب‌ها باید به صورت الکترونیکی و از طریق پایانه‌ها یا سامانه‌های مورد تأیید سازمان امور مالیاتی صادر شوند. هرچند این زیرساخت شفافیت و ردیابی تراکنش‌ها را ارتقا می‌دهد، اما پیچیدگی‌های فنی در ثبت داده‌ها، ناآشنایی بخشی از مؤدیان با رویه‌های اجرایی، تغییرات و ابهامات مقطعی در دستورالعمل‌ها، موجب افزایش هزینه‌های مرتبط با ثبت اطلاعات، دریافت مشاوره تخصصی و استفاده از سامانه شده است (سایت پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۴). سطح پیچیدگی نظام مالیاتی می‌تواند اثر قابل توجهی بر کارآفرینی داشته باشد. هرچه این نظام مبهم‌تر و پیچیده‌تر طراحی شود، کارآفرینان مولدی که قصد فعالیت شفاف و قانونی دارند، در موقعیتی نابرابر نسبت به افرادی قرار می‌گیرند که توانایی بهره‌برداری از ابهامات و خلأهای مقرراتی را دارند. چنین وضعیتی بستر رانت جویی، فعالیت لابی‌گران و گسترش واسطه‌گری مالیاتی را فراهم می‌کند و در مقابل، به زیان کارآفرینان، تازه‌واردان به بازار و سرمایه‌گذاران مولد تمام می‌شود (الرت و همکاران، ۲۰۱۹؛ باغانی و حسنی، ۱۳۹۶).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، صاحبان کسب‌وکار ملزم‌اند برای صدور صورتحساب‌های خود از سامانه پایانه‌های فروشگاهی استفاده کنند. برای صدور صورتحساب الکترونیکی در این سامانه، کاربران باید با مجموعه‌ای از اصطلاحات و الزامات تخصصی همچون: حافظه مالیاتی، شناسه یکتا، شماره منحصر به فرد مالیاتی، حدود مجاز صدور صورتحساب، شرکت‌های معتمد، انواع صورتحساب (نوع اول، دوم و سوم)، اثر صورتحساب‌ها بر اعتبار مالیات بر ارزش افزوده، مهلت مقرر ارسال، جرائم عدم رعایت الزامات و سایر اجزای مرتبط آشنا باشند. انباشت این مفاهیم و الزامات نه تنها ابهام عملیاتی برای صاحبان کسب‌وکار ایجاد می‌کند، بلکه در مجموع پیچیدگی ادراک شده را افزایش داده و به تفسیر و اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی دشواری بیشتری می‌بخشد. افزون بر این، صدور و به‌روزرسانی‌های متعدد بخش‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط، بر شدت ابهام و هزینه‌های مرتبط می‌افزاید.

استفاده از درآمدهای مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در زیربناها، سرمایه انسانی، پژوهش و توسعه و کاهش ناکامی‌های بازار می‌تواند از کارآفرینی پشتیبانی کند؛ با این حال، به دلایل زیر، نحوه و ترکیب هزینه کرد دولت از محل مالیات‌ها در برخی شرایط ممکن است آثار خنثی یا حتی منفی بر کارآفرینی بر جای گذارد (سولومون و همکاران، ۲۰۱۲):

❖ تأمین مالی طرح‌ها و مخارج اجتماعی مرتبط با کارآفرینی غالباً از مسیر افزایش نرخ یا گسترش پایه مالیاتی (بر سود شرکت‌ها یا بر درآمد قابل تصرف اشخاص) انجام می‌شود. این فرایند حاشیه نقدینگی و توان سرمایه‌گذاری نخستین

کارآفرینان را کاهش داده و در همان حال، جذابیت اشتغال باثبات تر - به ویژه در بخش دولتی - را نسبت به پذیرش ریسک کارآفرینی افزایش می دهد.

❖ اگر اشخاصی که توان و تمایل بالقوه ورود به فعالیت کارآفرینانه دارند به این برداشت برسند که بهره مندی از مزایای مخارج عمومی (مانند بیمه بیکاری یا یارانه های حمایتی) از دید ارزش مورد انتظار، کم ریسک تر یا مقرون به صرفه تر از راه اندازی کسب و کار است، این مخارج می تواند انگیزه ورود و پایداری فعالیت های کارآفرینانه را تضعیف کند (نوعی جانشینی به سوی اتکا بر حمایت های تضمین شده).

❖ افزایش مخارج عمومی (به ویژه پرداخت های مرتبط با حقوق و مزایای کارکنان دولت) معمولاً به گسترش اشتغال دولتی می انجامد؛ مشاغلی که در بسیاری موارد فشار کاری ادراک شده کمتری دارند و از مزایای بازنشستگی و پوشش های حمایتی گسترده تر برخوردارند. در نتیجه، هزینه فرصت خوداشتغالی و روی آوردن به ریسک کارآفرینانه بیشتر شده و جریان استعدادها به سوی مشاغل کم ریسک تر منحرف می شود.

برآیند نهایی این سازوکارها بر کارآفرینی یکدست و قطعی نیست و به عواملی همچون ترکیب مخارج (سرمایه ای در برابر جاری)، کارایی تخصیص، میزان دقت در جهت دهی منابع، ثبات مقررات، شفافیت و ساختار مشوق های مالیاتی وابسته است. از این رو، رابطه میان هزینه کرد مالیاتی دولت و رشد کارآفرینی، ارتباطی وابسته به بستر و نیازمند بررسی تفصیلی اجزای تشکیل دهنده مخارج است.

مروری بر دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر کارآفرینی: در سطرهای پیشین، نقش مالیات بر کارآفرینی به صورت کلی مطرح شد. برای غنای بیشتر بحث، به صورت خلاصه به برخی عوامل دیگر که در کنار مالیات بر کارآفرینی اثر دارند اشاره می گردد.

زمان راه اندازی کسب و کار: این متغیر به دوره ای اطلاق می شود که پیش از آغاز فعالیت اقتصادی صرف آماده سازی و تدارک می گردد. در خصوص تأثیر این دوره بر کارآفرینی، دو رویکرد اصلی مطرح است:

رویکرد اول: پژوهش هایی مانند کاپور و سینها^۱ (۲۰۲۲) و لوسکوئه و استفن^۲ (۲۰۲۰)، طولانی شدن دوره آماده سازی را عامل کاهنده تمایل و کارایی کارآفرینانه دانسته اند؛ زیرا می تواند به فرسایش انگیزه، اتلاف منابع و از دست رفتن فرصت بینجامد. در این برداشت، نظم بخشی و مهار کش آمدن این مرحله ضروری تلقی می شود.

رویکرد دوم: مطالعاتی همچون زاخاری و همکاران^۳ (۲۰۱۵) و فلچر و همکاران^۴ (۲۰۰۴)، اختصاص زمان کافی را تقویت کننده مسیر کارآفرینی معرفی کرده اند. آنها اظهار می دارند که این سرمایه گذاری زمانی زمینه ورود به موقع را فراهم ساخته، توسعه ارتباطات، جذب و تثبیت مشتریان اولیه، گسترش فعالیت، بهبود برآورد ریسک، کاهش عدم قطعیت، ارتقای شناخت فرایندهای بین المللی شدن، رفع شکاف های مهارتی و تسهیل یادگیری را ممکن می سازد. افزون بر این،

1. Kappor & Sinha
2. Lévesque & Stephan
3. Zachary et al.
4. Fletcher et al.

مدیریت سنجیده مراحل آماده سازی، خطا و هزینه زائد را کاهش داده و شانس موفقیت پایدار را بالا می برد. بر همین مبنا، تخصیص حساب شده این دوره نقشی کلیدی در تقویت ابعاد گوناگون کارآفرینی و ایجاد بستر دستاورد بلندمدت ایفا می کند.

بنابراین، در هر کسب و کار، زمان عنصری حیاتی و کمیاب برای کارآفرینان است و نقشی محوری در تصمیم گیری ها و اقدامات آنان دارد. باین حال، بر اساس مطالعات موجود، نمی توان درباره اثر مثبت یا منفی آن بر فرایندهای کارآفرینی به طور قطعی اظهارنظر کرد. از یک سو، این منبع فرصت فعالیت های کلیدی مانند ارزیابی ریسک، ایجاد ارتباط با مشتریان و کنترل هزینه ها را فراهم می کند که برای موفقیت ضروری است. از سوی دیگر، کمیابی و ضرورت تخصیص آن میان جنبه های مختلف می تواند ورود به بازار و دستیابی به سهم مطلوب را با چالش روبه رو سازد.

هزینه راه اندازی کسب و کار: این هزینه، هزینه ای است که برای راه اندازی کسب و کار، قبل از شروع آن استفاده می شود. در این چارچوب نیز دو دیدگاه وجود دارد:

❖ دیدگاه غالب درباره هزینه های شروع کسب و کار بر این اساس است که موجب کاهش کارآفرینی می شود. به عنوان نمونه مطالعاتی مانند (امیر و همکاران^۱، ۲۰۱۶) و (کاناره^۲، ۲۰۱۸) بیان می دارند که با صرفه جویی در هزینه های کسب و کار، می توان رقابت پذیری کسب و کار را افزایش داده و در نتیجه میزان کارآفرینی افزایش می یابد. پس این مطالعات بر این باور هستند که تا جای ممکن باید در هزینه ها صرفه جویی نمود.

❖ باین حال در ادبیات مرتبط با هزینه های اولیه و شروع کسب و کار مطالعاتی وجود دارند که این رابطه (رابطه بین هزینه های شروع کسب و کار با کارآفرینی) را مثبت فرض نموده اند. مهم ترین دلایلی که برای این تأثیر مثبت ذکر کرده اند در قالب محورهای زیر به طور خلاصه بیان نمود:

- هزینه های شروع بالاتر که در تحقیق و توسعه و قابلیت های فناورانه متمرکز می شوند، تداوم فعالیت های نوآورانه و مسیر یادگیری بنگاه های نوپای فناور را تقویت کرده و احتمال تثبیت ظرفیت اختراعی را افزایش می دهند (سِفیس و اورسینیگو^۳، ۲۰۰۱)، (پیترز^۴، ۲۰۰۹)، (ریموند و همکاران^۵، ۲۰۱۰) و (چاماسین و ساباتییر^۶، ۲۰۲۰).
- سرمایه گذاری اولیه سنگین به عنوان یک سیگنال پرهزینه از تعهد و کیفیت گروه کارآفرین عمل کرده و جذب سرمایه خطرپذیر و دیگر منابع مالی بیرونی را تسهیل می کند (فرید و همکاران^۷، ۲۰۱۵) (ژائو و شنئور^۸، ۲۰۲۲)، (هللمان و پوری^۹، ۲۰۰۲).

1. Amir et al.

2. Canare

3. Cefis & Orsenigo

4. Peters

5. Raymond et al.

6. Chamassian & Sabati

7. Fried et al.

8. Zhao & Shneor

9. Hellmann & Puri

- تخصیص هزینه‌های آغازین به ایجاد قابلیت‌های تمایز غیرقیمتی (کیفیت، فناوری، خدمات مکمل) مانع از رقابت صرف قیمتی شده و موقعیت رقابتی پایدار برای کسب‌وکار نوپا خلق می‌کند (ساتن^۱، ۱۹۹۱)، (ساتن، ۱۹۹۸).
 - هزینه‌های اولیه در تحقیق و توسعه^۲ و زیرساخت‌های سازمانی بهره‌وری نوآوری و تبدیل ورودی‌های تحقیق به خروجی‌های اقتصادی ارزشمند را افزایش داده و بدین وسیله عملکرد شرکت نوپای فناور را ارتقاء می‌بخشد (کریون، دوگوئه و مرس^۳، ۱۹۹۸)، (کولومبو و گرلی^۴، ۲۰۰۵).
 - مخارج شروع به مثابه «هزینه‌های قابلیت ساز غرق شده» انعطاف عملیاتی و تاب‌آوری بنگاه تازه‌تأسیس را در مواجهه با شوک‌های اولیه بهبود بخشیده و نرخ شکست را کاهش می‌دهد (هونجو^۵، ۲۰۰۰)، (ماتا و پرتغال^۶، ۱۹۹۴).
 - هزینه‌های آغازین بالاتر که صرف جذب و حفظ سرمایه انسانی ماهر می‌شود، فرایند حرفه‌ای‌سازی و رشد بعدی شرکت‌های نوپای فناوری محور را تسریع می‌کند (هلمان و پوری، ۲۰۰۲)، (داویلا، فاستر و گوپتا^۷، ۲۰۰۳)، (کولومبو و گرلی^۸، ۲۰۰۵).
- البته مشخص است که برای نتیجه‌گیری بهتر درباره این موضوع و قضاوت درباره این رابطه به مطالعات بیشتری در آینده نیاز است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: این متغیر تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر متغیر وابسته این مطالعه را نشان می‌دهد که با توجه به ناهمگونی و تفاوت نتایج مطالعات پیشین در این زمینه، نمی‌توان نظر روشنی درباره اثر کلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کارآفرینی داد.

- ❖ در گروه اول مطالعاتی مانند (دی بیکر و اسلئووانگن^۹، ۲۰۰۳)، (باربوسا و ایریز^{۱۰}، ۲۰۰۹) و (گوئل^{۱۱}، ۲۰۱۸) تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی روی کارآفرینی را منفی ارزیابی می‌کنند.
- این در حالی است در گروه دوم از مطالعات، مانند (آپوستولوف^{۱۲}، ۲۰۱۷)، (داناکل و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۴)، (مونمو^{۱۴}، ۲۰۱۵) و (نکسازونکه و ون ویک^{۱۵}، ۲۰۲۰)، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی کارآفرینی مثبت اظهار می‌شود.

1. Sutton
 2. R&D
 3. Crépon, Duguet & Mairesse
 4. Colombo & Grilli
 5. Honjo
 6. Mata & Portugal
 7. Davila, Foster & Gupta
 8. Colombo & Grilli
 9. De Backer & Sleuwaegen
 10. Barbosa & Eiriz
 11. Goel
 12. Apostolov
 13. Danakol
 14. Munemo
 15. Nxazonke & van Wyk

۲-۲- پیشینه پژوهش

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

در ادامه این قسمت مطالعات خارجی صورت گرفته در زمینه تاثیر مالیات بر کارآفرینی و خوداشتغالی مرور می شود: سون و همکاران^۱ (۲۰۲۵) تاثیر مشوق های مالیاتی بر محیط کسب و کار و پیامدهایی که بر کارآفرینی و نوآوری می تواند داشته باشد را برای ۲۹۴ شهر در چین (۲۹۰ شهر در سطح استان و ۴ شهرداری) طی سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، با استفاده از روش داده های پنل، مورد بررسی قرار دادند. یافته ها نشان داد که برنامه های تشویقی مالیاتی به طور قابل توجهی موجب بهبود اثربخشی نوآوری و کارآفرینی در شهرها می شود.

سلستین و همکاران^۲ (۲۰۲۵) تاثیر سیاست مالیاتی بر کارآفرینی و رشد کسب و کارهای کوچک را از طریق داده های کمی پایگاه های داده ملی ثبت مشاغل و سوابق مالیاتی پنج کشور منتخب (آمریکا، انگلیس، آلمان، هند و برزیل) طی سال های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ با استفاده از روش داده های پنل، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. یافته ها نشان دهنده ی همبستگی منفی قوی بین نرخ مالیات و فعالیت های کارآفرینی بود.

هولتر و همکاران^۳ (۲۰۲۳) تاثیر مالیات بر کارآفرینی در آمریکا با استفاده از روش پنل دیتا طی سال های ۱۹۶۲-۲۰۱۹ مورد مطالعه قرار دادند. داده های مورد استفاده بر اساس نظرسنجی گسترده ای بود که طی سال های ذکر شده در ایالت های مختلف آمریکا انجام گرفته بود. یافته های مطالعه آنها نشان می داد که مالیات تاثیر منفی بر کارآفرینی داشته است.

پراتا^۴ (۲۰۲۳) تاثیر مالیات بر کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای جدید را با استفاده از روش متا سنتز^۵ مورد بررسی قرار داد. پراتا با استفاده از روش کیفی متا سنتز مطالعات مرتبط با این موضوع را انتخاب نموده و مورد تحلیل قرار داد که بر اساس یافته های این تحلیل به این نتیجه رسید که نرخ های بالاتر مالیات منجر به نرخ های پایین تر ایجاد کسب و کار جدید شده و تاثیر منفی بر کارآفرینی دارد.

آدیزیچ و همکاران^۶ (۲۰۲۲) تاثیر سیاست ها، سامانه ها و مدیریت مالیاتی بر شرکت های کوچک و متوسط در جمهوری صربستان را در نمونه ای ۱۱۷ تایی از مسئولان شرکت های کوچک و متوسط با استفاده از روش توصیفی مورد بررسی قرار دادند. یافته های مطالعه آنها نشان می داد که مالیات تاثیر منفی بر شرکت های کوچک و متوسط داشته است.

بارنی^۷ (۲۰۱۷) با استفاده از روش داده های پنل تاثیر مالیات مزد بر خوداشتغالی را در ۲۴ کشور با درآمد بالا و متوسط به بالا در طی سال های ۱۹۹۹-۲۰۰۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه او نشان دهنده این بود که مالیات مزد تاثیر مثبت روی خوداشتغالی دارد.

1. Sun et al.
2. Celestin et al.
3. Holter et al.
4. Pratama
5. Meta-synthesis
6. Adžić et al.
7. Bárány

بالیمون - لوتز و گارلو^۱ (۲۰۱۴) تاثیر ساختار مالیات بر کارآفرینی در ۱۵ کشور اروپایی طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۸ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده این بود که مالیات موجب کاهش در ورود شرکت‌های تازه‌وارد می‌شود.

گرولی کالوز و بروس^۳ (۲۰۱۳) برای بررسی نقش کاهش نرخ مالیات، در ورود کارآفرینان در آمریکا طی سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۹۰ از روش داده‌های پنل استفاده کردند. یافته‌های به‌دست‌آمده در تحقیق آنها بیانگر این بود که مالیات تاثیر منفی روی کارآفرینی و کارگران دارد.

هانسون^۴ (۲۰۱۲) تاثیر سیاست‌های مالیاتی بر کارآفرینی و خوداشتغالی در سوئد طی سال‌های ۱۹۸۵-۲۰۰۰ را با استفاده از روش پروبیت^۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آنها تاثیر منفی مالیات روی خوداشتغالی و کارآفرینی را نشان داد.

باچر و برول هارت^۶ (۲۰۱۲) تاثیر مالیات‌های تصاعدی بر تولد شرکت‌های سوئیس طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۵ را با استفاده از روش اثرات ثابت پواسون^۷ مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج مطالعه آنها مالیات تصاعدی تاثیر مثبت روی کارآفرینی دارد.

دا رین دی گیاکومو و سمبنلی^۸ (۲۰۱۱) با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته رابطه بین مالیات، ورود شرکت‌ها و کارآفرینی را در ۱۷ کشور اروپایی طی سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۷ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق آنها نشان می‌داد که مالیات تاثیر منفی بر ورود شرکت‌ها دارد.

فوسن و اشتینر^۹ (۲۰۰۹) برای بررسی تأثیرگذاری مالیات بر انتخاب کارآفرینان در آلمان طی سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۰۱ از روش لاجیت^{۱۰} استفاده کردند. نتایج تحقیق آنها بیانگر تاثیر منفی مالیات بر کارآفرینی بود.

بروس و موشین^{۱۱} (۲۰۰۶) تأثیرگذاری سیاست‌های مالیاتی بر کارآفرینی آمریکا طی سال‌های ۱۹۵۰-۲۰۰۰ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی^{۱۲} را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج مطالعه آنها نشان‌دهنده تاثیر منفی مالیات بر کارآفرینی بود.

1. Balamoune -Lutz & Garelo

2. GMM

3. Gurley-Calves & Bruce

4. Hansson

5. probit

6. Bacher & brulhart

7. Poisson Regression

8. Da Rin et al.

9. Fossen & Steiner

10. Logit

11. Bruce & mohsin

12. OLS

استبیل^۱ (۲۰۰۴) نقش مالیات بر حقوق و دستمزد در تصمیم خوداشتغالی کارآفرینان کانادا طی سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۹۶ با استفاده از دو روش پروبیت و حداقل مربعات دومرحله‌ای مورد مطالعه قرار دادند. نتایج به دست آمده در مطالعه مذکور تأثیر منفی مالیات روی کارآفرینی را نشان می‌داد.

پارکر و رابسون^۲ (۲۰۰۴) تأثیر مالیات متوسط بر خوداشتغالی در بین کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ طی سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۹۶ را با استفاده از روش داده‌های پنل بررسی کردند. در مطالعه آنها تأثیر مالیات متوسط بر خوداشتغالی مثبت به دست آمد.

ون استل و همکاران^۴ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای که به توضیح تنوع در کارآفرینی نوپا اختصاص داشت، تأثیر درآمدهای مالیاتی را در ۳۶ کشور توسعه یافته و در حال توسعه با استفاده از روش داده‌های پنل مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان دهنده تأثیر منفی درآمدهای مالیاتی دولت بر کارآفرینی بود. این در حالی بود که تأثیر هزینه‌های دولت بر کارآفرینی مثبت بود.

فولستر^۵ (۲۰۰۲) برای آزمون اینکه آیا نرخ مالیات پایین منجر به تحریک خوداشتغالی می‌شود، تأثیر مالیات بر خوداشتغالی را در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی طی سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۹۵ را با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته- حداقل مربعات دومرحله‌ای^۶ مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های تحقیق مذکور تأثیر مالیات بر خوداشتغالی منفی بود.

کارول و همکاران^۷ (۲۰۰۱) برای بررسی تأثیر مالیات بر رشد شرکت‌ها در آمریکا از نمونه‌ای به اندازه ۶۲۱۵۹ در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ و روش پروبیت استفاده نمودند. یافته‌های تحقیق آنها نشان دهنده تأثیر منفی مالیات بر رشد شرکت‌ها بود. جنتری و هووارد^۸ (۲۰۰۰) برای بررسی تأثیر سیاست‌های مالیاتی بر ورود کارآفرین‌ها در آمریکا طی سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۹۲ از روش داده‌های پنل استفاده کردند. نتایج تحقیق آنها تأثیر منفی مالیات بر کارآفرینی را نشان می‌داد.

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

با توجه به اینکه در زمینه مورد تحقیق در مطالعه مطالعات داخلی اندکی انجام گرفته است، مطالعات داخلی انجام گرفته نیز بررسی خود را در قالب مجموعه کشورهایی مانند منبع محور، کارایی محور و نوآور محور انجام داده‌اند. در زیر مطالعات داخلی در این زمینه مرور می‌شود:

1. Stabile
2. Parker & Robson
3. OCED
4. Van Stel et al.
5. Fölster
6. SLS
7. Carroll et al.
8. Gentry & Hubbard

محمدی خیاره و رستمی (۱۳۹۹) تاثیر مالیات بر دو گروه از کشورهای کارایی محور و نوآور محور - طی سال های ۲۰۱۰-۲۰۱۸ با استفاده از داده های پنل مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آنها تاثیر منفی مالیات در کشورهای کارایی محور را نشان می داد.

صمدی و میرهاشمی (۱۳۹۶) تاثیر مالیات بر سه گروه از کشورهای منبع محور، کارایی محور و نوآور محور - طی سال های ۲۰۲۰-۲۰۱۴ با استفاده از داده های پنل مورد بررسی قرار دادند. در مطالعه آنها نتایج نشان دهنده تاثیر منفی مالیات در کشورهای منبع محور و کارایی محور بود.

با توجه به مطالعات مرور شده ملاحظه می شود که علی رغم اینکه در بیشتر مطالعات انجام شده، تاثیر مالیات بر کارآفرینی منفی ارزیابی شده است، در برخی مطالعات نیز تاثیر مالیات بر کارآفرینی مثبت به دست آمده است؛ بنابراین به طور کامل نمی توان درباره اثر نهایی مالیات بر کارآفرینی اظهار نظر قطعی کرد. از این رو، با توجه به نقش کلیدی کارآفرینی در اقتصاد هر کشوری و نقشی که مالیات در سودآوری هر کارآفرین و کسب و کار او دارد، ضروری است تاثیر مالیات بر کارآفرینی در هر کشور به طور دقیق تعیین شود. همچنین با توجه به اینکه در حوزه مطالعات داخلی، مطالعه ای مختص ایران تا لحظه نگارش این متن بر اساس جست و جوی نویسندگان صورت نگرفته است، در این تحقیق سعی خواهد شد تاثیر مالیات بر کارآفرینی در ایران تعیین شود تا سیاست گذاران بر اساس نتایج به دست آمده بتوانند سیاست های مالیاتی مرتبط با کسب و کار و توسعه آن را بهتر تنظیم و برای آن برنامه ریزی کنند.

۳- روش شناسی پژوهش

همان طور که اشاره شد، هدف این پژوهش بررسی تاثیر مالیات بر کارآفرینی است. مدل پژوهش حاضر بر اساس مطالعه یولاچ^۱ (۲۰۱۵) بنانهاده شده است. در مدل یولاچ، متغیرهای مستقل شامل تولید ناخالص داخلی سرانه، تعداد روزهای لازم برای شروع کسب و کار، هزینه شروع کسب و کار، مالیات و سطح پاسخگویی بوده اند و متغیر وابسته کارآفرینی بوده است. در ادبیات کارآفرینی، مطالعاتی وجود دارد که تاثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بر کارآفرینی بررسی کرده اند. سرمایه گذاری مستقیم خارجی به دلیل تاثیر مثبت آن در ایجاد و توسعه زیرساخت های تولیدی در کشور میزبان اهمیت زیادی دارد و می تواند نقشی مؤثر در افزایش کارآفرینی ایفا کند. بر همین اساس، این متغیر در مدل مورد استفاده قرار گرفته است. برای استفاده از متغیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی از مدل مطالعه ارن و همکاران^۲ (۲۰۱۹) کمک گرفته شد.

در نهایت با استفاده از مدل های این دو تحقیق در نهایت می توان مدل پژوهش را می توان به صورت رابطه (۱) ارائه داد:

$$Y_t = \alpha + \beta_1 time + \beta_2 cost_t + \beta_3 tax_t + \beta_4 gdpp_t + \beta_5 fdi_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

1. Yolaç
2. Eren et al.

در رابطه (۱) متغیرها به صورت زیر مشخص می‌شوند:

Y = منظور از شاخص کارآفرینی، افرادی هستند که به صورت مستقل، یا با یک یا چند شریک، یا در قالب تعاونی فعالیت می‌کنند و مشاغل را که به عنوان «مشاغل خوداشتغالی» تعریف می‌شوند، در اختیار دارند؛ یعنی مشاغل که دستمزد (درآمد) آن‌ها مستقیماً به سود حاصل از کالاها و خدمات تولید شده وابسته است. کارگران خود اشتغال شامل زیرمجموعه‌هایی از کارفرمایان، کارگران آزاد، اعضای تعاونی‌های تولیدکنندگان و کارگران خانوادگی می‌شوند. این شاخص به صورت سهم این افراد از کل اشتغال (درصد) تعریف می‌شود.

Time = بیانگر مدت زمان لازم برای کامل کردن فرآیند شروع کسب و کار است.

Cost = هزینه لازم فرآیند شروع کسب و کار نشان می‌دهد.

Gdpp = تولید ناخالص سرانه است.

Tax = نرخ کل مالیات، نشان‌دهنده سهمی از سود تجاری است که مشاغل به پرداخت مالیات و حق بیمه‌های

اجباری، پس از احتساب کسورات و معافیت‌های مجاز تخصیص می‌دهند.

Fdi = سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بیان می‌کند.

منبع استخراج داده برای شاخص کارآفرینی (خوداشتغالی) (Y)، زمان (Time)، هزینه (Cost)، نرخ کلی مالیات (tax)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و تولید ناخالص داخلی سرانه (GDPP) بانک جهانی^۱ است. روش مورد استفاده در این پژوهش رگرسیون فازی است. رگرسیون فازی برای رفع مشکل کمبود داده در مدل حاضر به کار می‌رود، زیرا رگرسیون کلاسیک در اندازه نمونه‌های کوچک از توان تبیین و برازش پایین‌تری برخوردار است؛ درحالی‌که یکی از مزیت‌های اصلی رگرسیون فازی، قابلیت آن در کار با مجموعه داده‌های کوچک است (هاگلند^۲، ۲۰۱۳). همچنین زمانی که متغیرها با درجاتی از ابهام همراه اند (باردوسی و همکاران^۳، ۱۹۹۰) رگرسیون فازی ارجحیت دارد. این ابهام ناشی از عدم قطعیت ذاتی در رفتار انسان و ماهیت انسانی علم اقتصاد است (اشمیت و هانتتر^۴، ۱۹۹۹)؛ بنابراین، با توجه به مطالب فوق، رگرسیون فازی گزینه مناسب‌تری برای این مطالعه است. برای بیان شکل رگرسیون فازی مدل خواهیم داشت:

$$LY_t = \tilde{A}_0 + \tilde{A}_1 Ltime + \tilde{A}_2 Lcost_t + \tilde{A}_3 Ltax_t + \tilde{A}_4 Lgdpp_t + \tilde{A}_5 Lfdi_t \quad (2)$$

با در نظر گرفتن رابطه (۲) خواهیم داشت:

$$LY_t = (a_0, S_0) + (a_1, S_1)Ltime + (a_2, S_2)Lcost_t + (a_3, S_3)Ltax_t + (a_4, S_4)Lgdpp_t + (a_5, S_5)Lfdi_t \quad (3)$$

1. World bank
2. Höglund
3. Bardossy et al.
4. Schmidt & Hunter

در رابطه (۲) $\tilde{A}$ عدد فازی است که در رابطه (۳) به صورت (a_i, S_i) نشان داده شده است. در (a_i, S_i) ، a ضریب برآورد شده برای متغیر مستقل مربوطه است. همچنین s میزان ابهام محاسبه شده برای هر یک از این ضرایب را نشان می‌دهد. داده‌های مورد نیاز این پژوهش برای کشور ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ به صورت سالانه گردآوری شده است. دلیل انتخاب این دوره آن است که از یک سو انتشار منظم اطلاعات مرتبط با کارآفرینی در ایران از سال ۲۰۰۵ آغاز شده و پس از سال ۲۰۱۹ نیز آمار قابل اتکایی در این زمینه (تا زمان انجام پژوهش) منتشر نشده است. از سوی دیگر از سال ۲۰۲۰ همه‌گیری بیماری کرونا موجب بروز شرایط غیرعادی در اقتصاد و جامعه شده که می‌توانست بر روند متغیرهای مطالعه شده (به‌ویژه کارآفرینی و مالیات) اثر تحریف‌کننده داشته باشد؛ بنابراین دوره ۲۰۰۵–۲۰۱۹ یک بازه نسبتاً همگن و عاری از اختلال ناشی از همه‌گیری برای بررسی اثر مالیات بر کارآفرینی محسوب می‌شود. نرم افزار مورد استفاده برای پیاده‌سازی روش تحقیق، نرم افزار WINQSB نسخه ۲ است.

در ادامه مطالب بیان شده رگرسیون فازی مرور می‌شود. برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، به‌طور خلاصه برای تبیین یک مسئله در رگرسیون فازی داریم:

با فرض اینکه Y متغیر وابسته و $X_1, X_2, \dots, X_p$ متغیرهای مستقل و تعداد مشاهدات n ، صورت کلی مدل رگرسیونی فازی به شکل رابطه ۴ خواهد بود (محسنی و شکری ۱۳۹۲):

$$\hat{Y} = f(X, A) = \tilde{A}_0 + \tilde{A}_1 X_1 + \tilde{A}_2 X_2 + \dots + \tilde{A}_p X_p \quad (۴)$$

حال هدف رگرسیون برآورد پارامترهای فازی $\tilde{A}_0, \tilde{A}_1, \tilde{A}_2, \dots, \tilde{A}_p$ بر اساس مجموعه‌ای از اعداد حقیقی زوج مرتبی متشکل از X_i و Y_i به گونه‌ای رابطه ۱ بهترین برازش را بر روی داده‌ها داشته باشد. برای پیدا کردن پارامترهای از روش‌هایی همچون توابع عضویت نرمال توابع عضویت مثلثی استفاده می‌شود ولی به دلیل رواج بیشتر تابع عضویت مثلثی، از این روش استفاده خواهد شد.

$$\mu_{\tilde{Y}(a)} = \begin{cases} 1 - \frac{a-x}{s}, & a-s \leq x \leq a \\ 1 - \frac{a-x}{s}, & a \leq x \leq a+s \end{cases} \quad (۵)$$

هر عدد مثلثی به شکل $\tilde{A} = (a, s)$ نشان داده می‌شود، بنابراین رابطه ۱ را می‌توان به صورت زیر نشان داد، پارامتر S محدوده عددی فازی است که میزان فازی بودن را نشان می‌دهد. که با بیشتر بودن S ، فازی بودن عدد نیز افزایش می‌یابد. بنابراین رابطه ۴ را می‌توان به صورت رابطه ۶ بیان کرد: (همان).

۱. از سال ۲۰۲۰ به بعد برای متغیرهای زمان لازم برای شروع فرآیند کارآفرینی و هزینه شروع کارآفرینی، فعلاً تا زمان نگارش این مطلب، آماری از طرف بانک جهانی منتشر نشده است؛ بنابراین تا سال ۲۰۱۹ داده‌ها جمع‌آوری شدند.

$$\tilde{y} = (a_0, S_0) + (a_1, S_1)x_1 + (a_2, S_2)x_2 + (a_3, S_3)x_3 + \dots + (a_p, S_p)x_p \quad (۶)$$

تابع عضویت متغیر خروجی یعنی $\tilde{y}$ نیز به صورت رابطه ۷ بیان می شود :

$$\mu_{\tilde{y}(a)} = \begin{cases} 1 - \frac{|y - a_0 - \sum_{i=1}^n a_i - x_i|}{S_0 + \sum_{i=1}^n S_i |x_i|}; & x_i \neq 0 \\ 1; & x_i = 0, y = 0 \\ 0; & x_i \neq 0, y = 0 \end{cases} \quad (۷)$$

برای حل مسئله رگرسیون خطی فازی، روش های مختلفی وجود دارد که یکی از آن ها تبدیل مسئله رگرسیون به برنامه ریزی خطی فازی است که در این حالت داده های غیر فازی هستند و هدف تعیین ضرایب $\tilde{A}_i$ در رابطه ۱ خواهد بود، به صورتی که در وهله اول خروجی فازی، یعنی برای تمامی مقادیر $(\mu_{y_i})y_i$ مقدار معین h که توسط کاربر تعیین می شود، بزرگ تر یا مساوی h باشد، به بیان دیگر رابطه ۸ برقرار باشد:

$$\mu_{\tilde{y}(y_i)} \geq h, (j = 0, 1, 2, \dots, n) \quad (۸)$$

با افزایش h میزان فازی بودن در خروجی ها نیز افزایش می یابد. ثانیاً ضرایب فازی به گونه ای است که پهنای خروجی فازی برای همه مجموعه داده ها مینیمم شود؛ بنابراین برای حل یک رگرسیون خطی با ضرایب فازی و داده های غیر فازی کافی است یک مدل برنامه ریزی خطی حل شود. از این رو طبق رابطه ۸ و تابع عضویت حالت متقارن، خروجی فازی نیز یک عدد فازی مثلثی متقارن خواهد بود که محدودیت های مدل و تابع هدف آن به صورت روابط ۹ و ۱۰ و ۱۱ به دست می آید (کوره پزان دزفولی ۱۳۸۴).

$$\hat{Y} = f(X, A) = \tilde{A}_0 + \tilde{A}_1 X_1 + \tilde{A}_2 X_2 + \dots + \tilde{A}_p X_p \quad (۹)$$

$$\min: Z = S_0 + \sum_{j=1}^n \left[S_j \sum_{i=1}^m x_{ji} \right] \quad (۱۰)$$

$$(1-h)S_0 + (1-h) \sum_{i=1}^n S_i X_{ji} + \sum_{i=1}^n a_i^c x_{ji} + a_j^c \geq y_j, \forall j = 1, 2, \dots, m$$

$$(1-h)S_0 + (1-h) \sum_{i=1}^n S_i X_{ji} + \sum_{i=1}^n a_i^c x_{ji} + a_j^c \leq -y_j, \forall j = 1, 2, \dots, m \quad (۱۱)$$

در نامعادلات بالا x_{ij} بیانگر مشاهده z ام برای متغیر i ام است. تابع هدف مطابق با رابطه ۷ با توجه $2mn$ محدودیت تولید شده توسط m مشاهده، مینیمم می‌شود^۱ (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰).

۴- نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

عنوان داده	واحد اندازه‌گیری	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	واریانس	میانگین
شاخص کارآفرینی	سهم خوداشتغالی از اشتغالی	۴۷/۷۱۱۵	۴۲/۸۹۸۴۲	۱/۵۱۲۹۹۱	۲/۲۸۹۱۴	۴۴/۹۳۳۱۴
زمان لازم برای راه‌اندازی	روز	۸۰/۵	۶۲/۵	۵/۶۶۷۰۵۹	۳۲/۱۱۵۶	۷۳/۳۳۳۳
هزینه لازم برای راه‌اندازی	درصد از سرانه درآمد ناخالص ملی	۶/۳	۱/۱	۱/۵۹۱۱۷	۲/۵۳۱۸۲	۳/۴۱۳۳۳۳
نرخ مالیات پرداختی	درصد از سود مشاغل	۴۴/۷	۴۴/۱	۰/۲۴۸۹۰۹	۰/۶۱۹۶	۴۴/۲۹۳۳۳
تولید ناخالص سرانه	به هزار دلار	۵۴۵۰/۹۳۸	۴۷۴۸/۵۳	۱۸۷/۷۱۸۶	۳۵۲۳۸/۳	۵۱۵۹/۲۵
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	درصد از تولید ناخالص داخلی	۱/۲۷۵۸۵۱	۰/۴۵۷۳۳۶	۰/۳۱۱۳۷	۰/۴۴۶۸	۰/۷۱۱۲۶۷

منبع: محاسبات تحقیق

پیش از آنکه نتایج به دست آمده از برآورد ارائه شود، در جدول (۱) به طور خلاصه میانگین، واریانس، انحراف معیار، حداقل و حداکثر هر یک از داده‌های بکار رفته در تحقیق حاضر در قالب جدول ۱ گزارش شد. همان طور که در قسمت‌های قبلی بیان شد، برای اینکه مدل ذکر شده در این تحقیق را تخمین زده و نحوه تأثیرگذاری مالیات بر کارآفرینی را تعیین کنیم، از روش رگرسیون فازی استفاده می‌شود. برای این منظور، مدل پژوهش را می‌توان در ۹ حالت با ۹ سطح ابهام h از ۰/۱ تا ۰/۹ تخمین زد که این تخمین‌ها بر اساس کمترین درجه فازی بودن تا بیشترین درجه فازی بودن در نظر گرفته می‌شوند. هرچه مقدار h کمتر باشد، مدل به حالت کلاسیک نزدیک‌تر می‌شود و هرچه مقدار h بیشتر و به سمت یک میل کند، مدل فازی‌تر می‌شود. درواقع h میزان گسترش عدد فازی را نشان می‌دهد (موسکویتز و کیم، ۱۹۹۶). برای اینکه عدد فازی نه بیش‌ازحد گسترده و نه بیش‌ازحد کوچک باشد، از مدل فازی در سطح $h=0/5$ استفاده می‌شود تا قدرت تبیین‌کنندگی و ابهام به طور هم‌زمان در نظر گرفته شود. زیرا در سطح ابهام $h=0/5$ ، مدل نه آن قدر دارای ابهام است که به مدل‌های کاملاً فازی شباهت پیدا کند و نه آن قدر دقیق است که به حالت‌های کلاسیک در اقتصادسنجی و آمار شبیه شود. در این حالت، ابهام و دقت به شکلی متوازن در مدل دخیل هستند.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به منابع مرتبط مراجعه شود.

جدول ۲. نتایج تخمین حاصل از رگرسیون فازی در ابهام ۵/۰

میزان فازی بودن مدل $h=0/5$				
عنوان متغیر	میزان برآورد متغیرها در تخمین فازی			
عرض از مبدأ	A_0	-۱۰/۲۰	S_0	۰/۱
$Ltime$	A_1	-۰/۸۹۴۹	S_1	۰/۱
$Lcost$	A_2	۱/۸۱۷۹	S_2	۰/۱
$Ltax$	A_3	-۱/۷۴۹۲	S_3	۰/۰۳۲
$Lgdpp$	A_4	۲/۱۶۹۵	S_4	۰/۰۱
$Lfdi$	A_5	-۰/۰۰۵	S_5	۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق

بنابراین، در مدل فازی تخمین زده شده در سطح ابهام ۵/۰ می‌توان مطالب زیر را بیان داشت:

زمان با ضریب فازی (۰/۱، -۰/۸۹۴۹) تأثیر منفی بر کارآفرینی دارد. برای این ضریب -۰/۸۹۴۹- نشان‌دهنده ضریب فازی زمان و عدد ۰/۱ نشان‌دهنده ابهام یا خطای فازی این ضریب است. بر طبق ضریب فازی به دست آمده حداکثر اثرگذاری زمان بر کارآفرینی برابر ۰/۹۹۴۹- و حداقل اثرگذاری آن برابر ۰/۷۹۴۹- و میانگین تأثیرگذاری آن برابر ۰/۸۹۴۹- است. زمان به دو صورت کاملاً متفاوت می‌تواند موجب تأثیرگذاری بر کارآفرینی شود. در مورد اول، زمانی که برای آماده‌سازی‌های لازم برای شروع و توسعه کسب‌وکار صرف می‌شود، این فرصت را به کارآفرین می‌دهد که دانش فنی لازم برای تولید محصول یا خدمت مدنظر خود را به دست آورد. همچنین، زمان این قابلیت را برای کارآفرین فراهم می‌کند که بازارهای خود را در داخل و خارج از کشور توسعه دهد، برای کالای تولیدی بازاریابی کند، از فروش محصول تولیدی خود مطمئن شود و در نتیجه ریسک فعالیت خود را کاهش دهد که این امر موجب افزایش کسب‌وکارها و اطمینان خاطر بیشتر می‌گردد. علاوه بر این، زمان به کارآفرین اجازه می‌دهد از ایده خود در طی سال‌های متمادی به بهترین نحو ممکن استفاده کند. همچنین می‌توان اظهار داشت که زمان راه‌اندازی کسب‌وکار اشاره به زمان لازم برای ایجاد پایه‌ها و زیرساخت‌های اولیه کسب‌وکار و نیز طی کردن موانع قانونی برای شروع فعالیت دارد. در این مورد، با کاهش زمان موردنیاز برای شروع و راه‌اندازی کسب‌وکار از طریق کاهش مقررات و کاغذبازی، راه‌اندازی به موقع کسب‌وکار تسهیل می‌شود. راه‌اندازی به موقع کسب‌وکار نیز به کارآفرین این فرصت را می‌دهد که استفاده حداکثری از ایده و محصول تولیدی خود داشته باشد. بر اساس داده‌های منتشرشده توسط بانک جهانی (۲۰۱۹)، زمان راه‌اندازی یک کسب‌وکار در ایران در سال ۲۰۱۰ برابر ۸۰.۵ روز بوده که به تدریج به ۷۲.۵ روز در سال ۲۰۱۹ رسیده است. علی‌رغم کاهش زمان راه‌اندازی از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۹، متأسفانه زمان موردنیاز برای آغاز کسب‌وکار در ایران همچنان زیاد است. این فرآیند زمان بر می‌تواند تحت تأثیر چند عامل باشد. بروکراسی و روند قانونی طولانی شروع کسب‌وکار یکی از عوامل زمان بر بودن فرآیند است. همچنین در ایران به دلیل تحریم‌های متعدد در زمینه تجارت خارجی و بازارهای خارجی و نیز به علت کمبود قانون‌گذاری و کیفیت پایین قوانین مربوط به حقوق مالکیت معنوی (رفیعی آتانی و همکاران، ۱۳۹۳) (مشایخ، ۱۳۹۸)، زمان برقراری ارتباط کارآفرین

با مشتریان داخلی و خارجی افزایش یافته است. در اثر این دلایل و طولانی شدن فرآیند شروع کسب و کار، این عامل تأثیر منفی بر کارآفرینی در ایران داشته است. یافته‌های به دست آمده درباره زمان در این پژوهش در راستای مطالعه‌های (کاپور و سینه‌ها، ۲۰۲۲) و (لوسکوئه و استفن، ۲۰۲۰) است در حالی که با مطالعات (زاخاری و همکاران، ۲۰۱۵) و (فلچر و همکاران، ۲۰۰۴) ناهم‌راستاست.

هزینه‌های شروع کسب و کار با ضریب فازی (۱/۸۱۷۹، ۰/۰۱) تأثیر مثبت بر کارآفرینی دارد. در این مورد نیز عدد ۱/۸۱۷۹ نشان‌دهنده ضریب فازی هزینه‌های شروع کسب و کار و عدد ۰/۰۱ نشان‌دهنده ابهام یا خطای فازی این ضریب است. بر طبق ضریب فازی به دست آمده حداکثر اثرگذاری هزینه‌های شروع کسب و کار بر کارآفرینی برابر ۱/۸۲۷۹ و حداقل اثرگذاری آن برابر ۱/۸۰۷۹ و میانگین تأثیرگذاری آن برابر ۱/۸۱۷۹ است. انتظار بر این است که با افزایش هزینه‌های شروع کسب و کار ورود به کسب و کار جدید سخت‌تر شده از میزان کارآفرینی کاسته شود؛ بنابراین تأثیر هزینه‌های شروع کسب و کار روی کارآفرینی منفی خواهد بود. این در حالی است که در این پژوهش تأثیر هزینه‌های شروع کسب و کار روی کارآفرینی در ایران مثبت شده است. همان‌طور که پیش‌ازین نیز اشاره شد سرمایه‌گذاری‌های آغازین ممکن است که به تحقیق و توسعه، ایجاد قابلیت‌های فناورانه و شکل‌دهی تمایز غیرقیمتی اختصاص داده شوند که در آن صورت به تثبیت مسیر یادگیری و شکل‌گیری ظرفیت‌های اختراعی کمک کرده و بنگاه نوپا را از فرسایش در رقابت صرف قیمتی دور می‌سازند. همچنین این مخارج اولیه با ارتقای بهره‌وری تبدیل دانش و فعالیت‌های تحقیقاتی به خروجی‌های اقتصادی، زمینه عملکرد بالاتر و ساخت یک موقعیت رقابتی بادوام را فراهم می‌کنند؛ درعین حال به عنوان سیگنال پرهزینه‌ای از تعهد، کیفیت گروه و جدیت راهبردی، فرایند جلب سرمایه خطرپذیر و سایر منابع مالی بیرونی را تسهیل می‌کنند (سفیس و اورسنیگو، ۲۰۰۱)، (پیترز، ۲۰۰۹) (ریموند و همکاران، ۲۰۱۰)، (چاماسین و ساباتییر، ۲۰۲۰)، (فرید و همکاران، ۲۰۱۵)، (ژائو و شنئور، ۲۰۲۲)، (هلمان و پوری، ۲۰۰۲)، (ساتون، ۱۹۹۱)، (ساتون، ۱۹۹۸)، (کریون، دوگه و مرس، ۱۹۹۸)، (کولومبو و گرلی، ۲۰۰۵). افزون بر این، بخشی از این مخارج که در قالب هزینه‌های قابلیت ساز و در جذب و نگهداشت نیروی انسانی ماهر و سامان‌دهی زیرساخت‌های سازمانی صرف می‌شود، تاب‌آوری عملیاتی و انعطاف بنگاه را در مواجهه با شوک‌های اولیه افزایش داده و احتمال شکست زودرس را کاهش می‌دهد. شدت هوشمندانه این هزینه‌ها با تقویت همزمان قابلیت‌های درونی و اعتبار بیرونی، یک چرخه بازخور مثبت میان نوآوری پایدار، جذب سرمایه و توسعه بازار ایجاد کرده و از طریق ایجاد موانع تقلید و ورود، افق زمانی لازم برای پالایش مدل کسب و کار و دستیابی به رشد کیفی را گسترش می‌بخشد (هونجو، ۲۰۰۰)، (ماتا و پرتوگال، ۱۹۹۴)، (هلمان و پوری، ۲۰۰۲)، (داویلا، فاستر و گوپتا، ۲۰۰۳)، (کولومبو و گرلی، ۲۰۰۵)، (پیترز، ۲۰۰۹)، (فرید و همکاران، ۲۰۱۵)، (ساتون، ۱۹۹۸)، (ساتون، ۱۹۹۱)، (سفیس و اورسنیگو، ۲۰۰۱). این یافته هم‌جهت

بامطالعه‌های^۱ ذکرشده در جملات قبلی این قسمت و مطالعه (دارنی همدانی و همکاران، ۲۰۱۸) بوده و با مطالعات (امیر و همکاران، ۲۰۱۶) و (کاناره، ۲۰۱۸) ناهم جهت است.

مالیات با ضریب فازی ۱/۷۴۹۲-، ۰/۱۳۲ تأثیر منفی بر کارآفرینی دارد. برای این ضریب نیز ۱/۴۸۰۲- نشان‌دهنده ضریب فازی مالیات و عدد ۰/۱ نشان‌دهنده ابهام یا خطای فازی این ضریب است. بر طبق ضریب فازی به‌دست‌آمده حداکثر اثرگذاری مالیات بر کارآفرینی برابر ۱/۷۶۲۴- و حداقل اثرگذاری آن برابر ۱/۷۳۶- و میانگین تأثیرگذاری آن برابر ۱/۷۴۹۲- است. بر اساس مطالبی که در قسمت‌های پیشین بیان شد، به نظر می‌رسد در کشوری مانند ایران، مواردی همچون خوانایی مقررات مالیاتی، تعدد مقررات مالیاتی، معافیت‌های متعدد در قوانین مالیاتی، تغییرات قوانین مالیاتی، تعدد مدارک و مستندات درخواستی از مؤدیان مالیاتی، آراء و مقررات متناقض صادره از محاکم غیر فرمایشی (غیر مالیاتی) و ابهام در فرم‌های مالیاتی، سبب پیچیدگی نظام مالیاتی برای شرکت‌های تازه‌تأسیس شده است (باغانی و حسنی، ۱۳۹۶). این پیچیدگی نیز باعث شده است هزینه‌های پنهان و آشکار شرکت‌ها برای فهم قوانین و برآورده کردن تکالیف قانونی افزایش یابد؛ به‌گونه‌ای که اثر منفی آن بر اثر تقویتی سیاست‌های تشویقی مالیاتی در این زمینه غلبه کرده و درنهایت موجب تأثیر منفی بر کارآفرینی در ایران شده است. یافته ذکرشده هم‌راستا با مطالعات (کارول و همکاران، ۲۰۱۲)، (جنتری و هووارد، ۲۰۰۰)، (فولستر، ۲۰۰۲)، (ون استل و همکاران، ۲۰۰۴)، (استبیل، ۲۰۰۴)، (بروس و موشین، ۲۰۰۶)، (فوسن و اشتینر، ۲۰۰۹)، (بالیامونه - لوتز و گارلو، ۲۰۱۴)، (دارین دی گیکومو و سمبنلی، ۲۰۱۱)، (هانسون، ۲۰۱۲)، (گارلی - کالوز و بروس، ۲۰۱۳)، (آدیزچ و همکاران، ۲۰۲۲)، صمدی و میرهاشمی (۱۳۹۶) و محمدی خیاره و رستمی (۱۳۹۹) بوده و با (پارکر و رابسون، ۲۰۰۴)، (بارنی، ۲۰۱۷) و (باچر و برول هارت، ۲۰۱۳) ناهم راستا است.

تولید ناخالص داخلی سرانه با ضریب فازی (۲/۱۶۹۵، ۰/۱) تأثیر مثبت بر کارآفرینی دارد. در این مورد نیز عدد ۲/۱۶۹۵ نشان‌دهنده ضریب فازی تولید ناخالص داخلی سرانه و عدد ۰/۱ نشان‌دهنده ابهام یا خطای فازی این ضریب است. بر طبق ضریب فازی به‌دست‌آمده حداکثر اثرگذاری تولید ناخالص داخلی سرانه بر کارآفرینی برابر ۲/۱۷۹۵ و حداقل اثرگذاری آن برابر ۲/۱۵۹۵ و میانگین تأثیرگذاری آن برابر ۲/۱۶۹۵ است. همان‌طور که پیش از این نیز ذکر شد یکی از دلایل تأثیر مثبت تولید ناخالص داخلی سرانه بر کارآفرینی می‌تواند این باشد که با رونق گرفتن اقتصاد شرایط برای تأمین مالی و سایر حمایت‌ها از کارآفرینی و شروع کسب‌وکارهای جدید از طریق پس‌انداز، ارث و مالکیت دارایی‌ها، بیشتر از گذشته فراهم می‌شود که این موجب گسترش کارآفرینی خواهد شد. همچنین با افزایش سطح توسعه اقتصادی، سطح

۱. (ساتون، ۱۹۹۱)، (ماتا و پرتوگال، ۱۹۹۴) (ساتون، ۱۹۹۸)، (کریون، دوگه و مرس، ۱۹۹۸)، (هونجو، ۲۰۰۰)، (سفیس و اورسینگو، ۲۰۰۱) (هلمان و پوری، ۲۰۰۲)، (داویلا، فاستر و گوپتا، ۲۰۰۳)، (کولومبو و گرلی، ۲۰۰۵)، (پیترز، ۲۰۰۹)، (ریموند و همکاران، ۲۰۱۰)، (فرید و همکاران، ۲۰۱۵)، (ژائو و شنتور، ۲۰۲۲) و (چاماسین و ساباتییر، ۲۰۲۰).

رفاه بالاتر می‌رود که این سطح بالاتر رفاه کارآفرینی را از طریق افزایش تقاضای مصرف‌کننده و همچنین احساس افراد برای خودشکوفایی تحریک می‌نماید (ونکرز و همکاران^۱، ۲۰۱۲).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ضریب فازی (۰/۰۰۵-، ۰/۰۰۱) تأثیر منفی بر کارآفرینی دارد. برای این ضریب نیز ۰/۰۰۵- نشان‌دهنده ضریب فازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و عدد ۰/۰۰۱ نشان‌دهنده ابهام یا خطای فازی این ضریب است. بر طبق ضریب فازی به دست آمده حداکثر اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کارآفرینی برابر ۰/۰۰۶- و حداقل اثرگذاری آن برابر ۰/۰۰۴- و میانگین تأثیرگذاری آن برابر ۰/۰۰۵- است. سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند با پشتیبانی فنی، مالی و یافتن بازارهای جدید، موجب گسترش کارآفرینی در کشور میزبان سرمایه‌گذاری شود (آلبولسکیو و تاماشیلا^۲، ۲۰۱۴)؛ اما نوع ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر اقتصاد کشور میزبان داشته باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور کلی به دو نوع تقسیم می‌شود: یکی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سبز و دیگری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ادغام و تملک. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سبز سبب ایجاد فعالیت اقتصادی و در پی آن ایجاد کسب‌وکارهای جدید می‌شود، در حالی که در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از نوع ادغام و تملک (سایه‌ای)، همان‌طور که از عنوان آن مشخص است، سرمایه‌گذاری خارجی از نوع تملک یک شرکت یا واحد تولیدی موجود در کشور میزبان است؛ بنابراین ایجاد فعالیت اقتصادی جدید در این نوع سرمایه‌گذاری مطرح نیست. به نظر می‌رسد با افزایش هر یک از این دو نوع سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور میزبان، کارآفرینی بسته به نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند افزایش یا کاهش یابد. از آنجاکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند سبب افزایش رقابت برای شرکت‌های داخلی، افزایش موانع ورود و ایجاد اثر سرقه بازار شود، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند تأثیر منفی بر کارآفرینی داشته باشد. (ملنیک و همکاران^۳، ۲۰۱۴)، (آپوستولوف، ۲۰۱۷)، (آیاگاری و کوزوو^۴، ۲۰۱۰) و (دی بیکر و اسلئوواگن^۵، ۲۰۰۳). همچنین، در صورتی که سطح فناوری انتقال یافته قدیمی باشد و آلاپندگی زیادی به همراه داشته باشد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سبز نیز می‌تواند موجب کاهش کارآفرینی در کشور میزبان شود. در مورد ایران نیز، به دلیل تحریم‌های شدید، انتقال فناوری چندان مطرح نبوده و در موارد معدود انتقال، فناوری روز منتقل نشده است؛ در نتیجه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند تأثیر منفی بر کارآفرینی داشته باشد، که یافته به دست آمده با مطالعه (دی بیکر و اسلئوواگن^۵، ۲۰۰۳)، (باربوسا و ایریز، ۲۰۰۹) و (مونمو، ۲۰۱۵) هم‌جهت بوده و با (آپوستولوف، ۲۰۱۷)، (داناگل و همکاران، ۲۰۱۴)، (مونمو، ۲۰۱۵) و (نکسازونکه و ون ویک، ۲۰۲۰)، ناهم‌راستا است.

1. Wennekers et al.
2. Albulescu & Tămășilă
3. Melnyk
4. Ayyagari & Kosová

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای سیاستی

هدف اجرای پژوهش حاضر، بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر کارآفرینی در ایران طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۹ بود. از یک سو به دلیل کمبود داده‌های منتشرشده در این زمینه و از سوی دیگر به دلیل شیوع بیماری همه‌گیر کرونا از سال ۲۰۲۰ و آشفته‌گی اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن پس از این سال، به نظر می‌رسد بازه مذکور برای بررسی تأثیر مالیات بر کارآفرینی، به دلیل وجود شرایط طبیعی، مناسب باشد. همچنین، برای رفع مشکل محدودیت کمی داده‌ها در برآورد مدل، از روش رگرسیون فازی استفاده شد؛ روشی که به دلیل بهره‌گیری از مفهوم ابهام، نداشتن جمله خطا و استفاده از بازه تخمین، در داده‌های با طول زمانی کوتاه نسبت به رگرسیون کلاسیک از مزیت اساسی برخوردار است. نتایج به دست آمده از برآورد مدل ارائه شده در تحقیق، نشان دهنده تأثیر منفی نظام مالیاتی بر کارآفرینی در ایران بود؛ امری که می‌تواند تحت تأثیر عواملی همچون پیچیدگی نظام مالیاتی، تعدد تکالیف مالیاتی و عدم ثبات قوانین مالیاتی باشد و موجب کاهش جذابیت کارآفرینی در مقایسه با اشتغال رسمی شود. همچنین، تأثیر متغیرهای زمان راه‌اندازی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کارآفرینی منفی به دست آمد؛ اما در مقابل، تأثیر متغیرهای هزینه‌های راه‌اندازی و تولید ناخالص داخلی سرانه بر کارآفرینی مثبت بود. نتایج حاصل از پژوهش حاضر می‌تواند تصویری کلی از تأثیر مالیات بر کارآفرینی ارائه دهد و به سیاست‌گذاران حوزه کارآفرینی و کسب و کار کمک کند تا سیاست‌های مرتبط را با دقت بیشتری تنظیم کنند. شایان ذکر است که این پژوهش با برخی محدودیت‌ها مواجه بوده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به حجم محدود داده‌های مرتبط با کارآفرینی اشاره کرد؛ مانند اطلاعات مربوط به زمان و هزینه راه‌اندازی کسب و کار در ایران که دسترسی به آن‌ها محدود بوده است. حال با در نظر گرفتن نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهادهایی به ترتیب زیر ارائه داد:

- ۱- اتخاذ کلیه اقداماتی که موجب کاهش فشار بار مالیاتی و کاهش تأثیر منفی مالیات برای کارآفرینان می‌شود که می‌تواند در قالب مشوق‌های مالیاتی و کاهش ضرایب مالیاتی برای انواع کارآفرینان باشد.
- ۲- اجرای تدابیری که مرتبط با کاهش زمان لازم برای آماده‌سازی شروع کسب و کار است که می‌تواند شامل سهل‌سازی روند اداری شروع کسب و کار و آموزش‌های مرتبط با آن باشد.

با توجه به اثر مثبت مشاهده شده هزینه‌های شروع بر کارآفرینی، بهتر است که سیاست تنظیمی به جای کاهش یکسان و کلی این هزینه‌ها، ترکیب آن‌ها را بهینه کند؛ که به عنوان پیشنهاد دولت هزینه‌های آغازین را به دودسته «هزینه‌های اصطکاکی» (ثبت، مجوزهای تکراری، کارمزدهای اداری) و «هزینه‌های توانمند ساز» (تحقیق و توسعه، زیرساخت فناوریانه، جذب نیروی انسانی ماهر، طراحی محصول و سازمان، هویت اولیه و تقویت اعتبار کیفیت) تفکیک کرده و از طریق پنجره واحد الکترونیکی و تعیین سقف، سهم هزینه‌های اصطکاکی را کاهش دهد و هم‌زمان برای مخارج توانمند ساز، مشوق‌های پلکانی (اعتبار یا تخفیف مالیاتی مشروط به عبور از یک آستانه سهم)، صندوق تطبیقی تحقیق و توسعه در مرحله پیش از آغاز فعالیت و گواهی «شناسه توانمند ساز» برای تسهیل دسترسی به سرمایه جسورانه فراهم سازد؛ سپس با پایش سالانه نسبت مخارج توانمند ساز به کل هزینه آغازین و نیز زمان شروع عملیاتی، کارایی سیاست را ارزیابی و به روزرسانی کند تا کارآفرینی نوآور و پایدار تقویت شود.

منابع

منابع داخلی

- رفیعی آتانی، عطاءالله، زهره کاکائی و ندا فیاضی. (۱۳۹۳). نقش مدیریت مالکیت معنوی در توسعه اقتصادی؛ چالش‌ها و راهکارها. مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل مسایل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۴(۳)، ۵۱-۶۴.
- صمدی، علی حسین. (۱۳۹۶). بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی بر فعالیت‌های کارآفرینانه (مطالعه موردی کشورهای منبع محور، کارایی محور و نوآور محور). پژوهشنامه مالیات، ۲۵(۳۳)، ۱۱-۳۱.
- قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، سامانه جامع قوانین مقررات جمهوری اسلامی ایران، قوانین، در دسترس: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=892583840653829785> (برگرفته در ماه شهریور ۱۴۰۴)
- قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، سامانه جامع قوانین مقررات جمهوری اسلامی ایران، در دسترس: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=18014630149867557972> (برگرفته در ماه شهریور ۱۴۰۴)
- کوره‌پزان دزفولی، امین (۱۳۸۴) اصول تئوری مجموعه‌های فازی و کاربردهای آن در مدل‌سازی مسائل مهندسی آب، چاپ اول، جهاد دانشگاهی صنعتی امیرکبیر، تهران.
- محسنی، رضا و مصطفی شکری. (۱۳۹۲). بررسی میزان انتشار دی‌اکسید کربندی اکسیدکربن در ایران با رویکرد فازی. نشریه انرژی ایران، ۱۶(۱)، ۱-۱۶.
- محمدی خیاره و نسرين رستمی. (۱۴۰۰). تاثیر متغیرهای اقتصاد کلان بر کارآفرینی: رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته. پژوهشنامه اقتصاد کلان، ۱۵(۳۰)، ۳۴-۶۱.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سایت مرکز پژوهش‌های پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قوانین و مقررات، در دسترس: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1348789> (برگرفته در ماه شهریور ۱۴۰۴)
- مشایخ، جواد. (۱۳۹۸). توصیه‌هایتوصیه‌های سیاستی برای ارتقای نظام مالکیت فکری در ایران. سیاست‌نامه‌سیاست نامه علم و فناوری، ۹(۲)، ۱۵-۳۰.
- موسوی، سید نعمت‌الله‌سید نعمت‌الله، مظفر جباری و ذکریا فرج زاده. (۱۳۹۰). تحلیل اثر تعاونی‌های دامداران بر ایجادبرایجاد اشتغال و تولید در استان فارس: کاربرد رهیافت رگرسیون خطی فازی. فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۳(۱۰)، ۲۱-۳۵.

منابع خارجی

- Adžić, S., Nestorović, O., Zakić, N., Aničić, D., & Penjišević, A. (2022). The Impact of Tax Policy, System, and Administration on Small and Medium-Sized Enterprises in the Republic of Serbia: A Statistical Analysis of the Situation. *Eastern European Economics*, 1-24.
- Albulescu, C. T., & Tămășilă, M. (2014). The impact of FDI on entrepreneurship in the European Countries. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 124, 219-228.
- Amir, A., Auzair, S. M., & Amiruddin, R. (2016). Cost management, entrepreneurship and competitiveness of strategic priorities for small and medium enterprises. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 219, 84-90.
- Apostolov, M. (2017). The impact of FDI on the performance and entrepreneurship of domestic firms. *Journal of International Entrepreneurship*, 15(4), 390-415.
- Ayyagari, M., & Kosová, R. (2010). Does FDI facilitate domestic entry? Evidence from the Czech Republic. *Review of International Economics*, 18(1), 14-29.

- Bacher, H. U., & Brühlhart, M. (2013). Progressive taxes and firm births. *International Tax and Public Finance*, 20(1), 129-148.
- Baliamoune-Lutz, M., & Garelo, P. (2014). Tax structure and entrepreneurship. *Small Business Economics*, 42, 165-190.
- Bárány, Z. L. (2017). *Taxation and self-employment*.
- Barbosa, N., & Eiriz, V. (2009). The role of inward foreign direct investment on entrepreneurship. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 5(3), 319-339.
- Bardossy, A., Bogardi, I., & Duckstein, L. (1990). Fuzzy regression in hydrology. *Water Resources Research*, 26(7), 1497-1508.
- Bruce, D., & Mohsin, M. (2006). Tax policy and entrepreneurship: New time series evidence. *Small Business Economics*, 409-425.
- Bruce, D., & Schuetze, H. J. (2004). Tax policy and entrepreneurship. *Swedish Economic Policy Review*, 11(2), 233-265.
- Canare, T. (2018). The effect of ease of doing business on firm creation. *Annals of Economics and Finance*, 19(2), 555-584.
- Carroll, R., Holtz-Eakin, D., Rider, M., & Rosen, H. S. (2001). Personal income taxes and the growth of small firms. *Tax policy and the economy*, 15, 121-147.
- Cefis, E., & Orsenigo, L. (2001). The persistence of innovative activities: A cross-countries and cross-sectors comparative analysis. *Research Policy*, 30(7-8), 1139-1158. [https://doi.org/10.1016/S0048-7333\(00\)00136-1](https://doi.org/10.1016/S0048-7333(00)00136-1)
- Celestin, P., Namusonge, G., Vinayakan, K., & Sangwa, S. (2025). The Influence of Tax Policy on Entrepreneurship and Small Business Growth: Do Lower Taxes Encourage Startups?. *Mbonigaba and Namusonge, Gregory and Vinayakan, K. and Sangwa, Sixbert*.
- Chammassian, R. G., & Sabatier, V. (2020). The role of costs in business model design for early-stage technology startups. *Technological Forecasting and Social Change*, 157, 120090.
- Colombo, M. G., & Grilli, L. (2005). Founders' human capital and the growth of new technology-based firms: A competence-based view. *Research Policy*, 34(6), 795-816. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2005.03.011>
- Crépon, B., Duguet, E., & Mairesse, J. (1998). Research, innovation and productivity: An econometric analysis at the firm level. *Economics of Innovation and New Technology*, 7(2), 115-158. <https://doi.org/10.1080/10438599800000031>
- Da Rin, M., Di Giacomo, M., & Sembenelli, A. (2011). Entrepreneurship, firm entry, and the taxation of corporate income: Evidence from Europe. *Journal of public economics*, 95(9-10), 1048-1066.
- Danakol, S. H., Estrin, S., Reynolds, P., & Weitzel, U. (2017). Foreign direct investment via M&A and domestic entrepreneurship: blessing or curse? *Small Business Economics*, 48, 599-612.
- Darnihamedani, P., Block, J. H., Hessels, J., & Simonyan, A. (۲۰۱۸). Taxes, start-up costs, and innovative entrepreneurship. *Small Business Economics*, 51, 355-369.
- Davila, A., Foster, G., & Gupta, M. (2003). Venture capital financing and the growth of startup firms. *Journal of Business Venturing*, 18(6), 689-708. [https://doi.org/10.1016/S0883-9026\(02\)00127-9](https://doi.org/10.1016/S0883-9026(02)00127-9)
- De Backer, K., & Sleuwaegen, L. (2003). Does foreign direct investment crowd out domestic entrepreneurship? *Review of industrial organization*, 22, 67-84.
- Elert, N., Henrekson, M., & Sanders, M. (2019). *The entrepreneurial society: a reform strategy for the European Union* (p. 173). Springer Nature.
- Eren, O., Onda, M., & Unel, B. (2019). Effects of FDI on entrepreneurship: Evidence from Right-to-Work and non-Right-to-Work states. *Labour Economics*, 58, 98-109.
- Fletcher, D. (2004). International entrepreneurship and the small business. *Entrepreneurship & Regional Development*, 16(4), 289-305.
- Fölster, S. (2002). Do lower taxes stimulate self-employment? *Small Business Economics*, 19(2), 135-145.
- Fossen, F. M., & Steiner, V. (2009). Income taxes and entrepreneurial choice: Empirical evidence from two German natural experiments. *Empirical Economics*, 36, 487-513.
- Frid, C. J., Wyman, D. M., & Gartner, W. B. (2015). The influence of financial'skin in the game'on new venture creation. *Academy of Entrepreneurship Journal*, 21(2), 1.
- Gentry, W. M., & Hubbard, R. G. (2000). Tax policy and entrepreneurial entry. *American Economic Review*, 90(2), 283-287.
- Global Entrepreneurship Monitor, Available: <https://www.gemconsortium.org/report/gem-iran-report-2019-2> (Accessed, September, 2025).
- Goel, R. K. (2018). Foreign direct investment and entrepreneurship: Gender differences across international economic freedom and taxation. *Small Business Economics*, 50, 887-897.

- Gurley-Calvez, T., & Bruce, D. (2013). Do tax rate cuts encourage entrepreneurial entry? *Journal of Entrepreneurship and Public Policy*, 2(2), 178-202.
- Hansson, Å. (2012). Tax policy and entrepreneurship: empirical evidence from Sweden. *Small Business Economics*, 38, 495-513.
- Hellmann, T., & Puri, M. (2002). Venture capital and the professionalization of start-up firms. *The Journal of Finance*, 57(1), 169–197. <https://doi.org/10.1111/1540-6261.00430>
- Höglund, H. (2013). Fuzzy linear regression-based detection of earnings management. *Expert systems with applications*, 40(15), 6166-6172.
- Holter, H. A., Stepanchuk, S., & Wang, Y. (2023). Taxation and entrepreneurship in the united states (No. 02/2023). Memorandum.
- Honjo, Y. (2000). Business failure of new firms: An empirical analysis using a multiplicative hazards model. *International Journal of Industrial Organization*, 18(4), 557–574. [https://doi.org/10.1016/S0167-7187\(98\)00097-3](https://doi.org/10.1016/S0167-7187(98)00097-3)
- Khan, U. T., & Valeo, C. (2015). A new fuzzy linear regression approach for dissolved oxygen prediction. *Hydrological Sciences Journal*, 60(6), 1096-1119.
- Kim, K. J., Moskowitz, H., & Koksalan, M. (۱۹۹۶). Fuzzy versus statistical linear regression. *European Journal of Operational Research*, 92(2), 417-434.
- Lévesque, M., & Stephan, U. (2020). It's time we talk about time in entrepreneurship. In (Vol. 44, pp. 163-184): SAGE Publications Sage CA: Los Angeles, CA.
- Mata, J., & Portugal, P. (1994). Life duration of new firms. *Journal of Industrial Economics*, 42(3), 227–245. <https://doi.org/10.2307/2950494>
- Melnyk, L., Kubatko, O., & Pysarenko, S. (2014). The impact of foreign direct investment on economic growth: case of post communism transition economies. *Problems and perspectives in Management*, (12, Iss. 1), 17-24.
- Munemo, J. (2015). Does FDI facilitate entrepreneurship in African countries with good business start-up regulations?. *AfricaGrowth Agenda*, 2015(1), 12-15.
- Nxazonke, B., & van Wyk, R. B. (2020). The role of foreign direct investment (FDI) on domestic entrepreneurship in South Africa. *Development Southern Africa*, 37(4), 587-600.
- Parker, S. C., & Robson, M. T. (2004). Explaining international variations in self-employment: Evidence from a panel of OECD countries. *Southern economic journal*, 71(2), 287-301.
- Peters, B. (2009). Persistence of innovation: Stylised facts and panel data evidence. *The Journal of Technology Transfer*, 34(2), 226–243. <https://doi.org/10.1007/s10961-008-9084-8>
- Pratama, H. (2023). Taxes and Entrepreneurship: Impact on New Business Creation. *Golden Ratio of Taxation Studies*, 3(1), 34-44.
- Raymond, W., Mairesse, J., Mohnen, P., & Palm, F. (2010). Persistence of innovation in Dutch manufacturing: Is it spurious? *Review of Economics and Statistics*, 92(3), 495–504. https://doi.org/10.1162/REST_a_00005
- Schmidt, F. L., & Hunter, J. E. (1999). Theory testing and measurement error. In (Vol. 27, pp. 183-198): Elsevier.
- Shapiro, A. F. (2005). Fuzzy regression models. *Article of Penn State University*, 102(2), 373-383.
- Solomon, S., Bendickson, J. S., Liguori, E. W., & Marvel, M. R. (2021). The effects of social spending on entrepreneurship in developed nations. *Small Business Economics*, 1-13.
- Stabile, M. (2004). Payroll taxes and the decision to be self-employed. *International Tax and Public Finance*, 11, 31-53.
- Stel, A. v., Carree, M., & Thurik, R. (2005). The effect of entrepreneurial activity on national economic growth. *Small Business Economics*, 24, 311-321.
- Stenkula, M. (2012). Taxation and entrepreneurship in a welfare state. *Small Business Economics*, 39, 77-97.
- Sun, L., Lu, F., Guan, H., Lu, X., Zhai, J., & Liu, J. (2025). Tax incentives, business environment, and entrepreneurial and innovation outcome. *International Review of Financial Analysis*, 103, 104154.
- Sutton, J. (1991). *Sunk costs and market structure: Price competition, advertising, and the evolution of concentration*. MIT Press. (ISBN: 9780262193087)
- Sutton, J. (1998). *Technology and market structure: Theory and history*. MIT Press. (ISBN: 9780262194015)
- The World Bank, World Development Indicators, Available: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.KD>(Accessed, March 2025).
- The World Bank, World Development Indicators, Available: <https://genderdata.worldbank.org/en/indicator/ic-reg-cost-pc-zs>(Accessed, March 2025).

- The World Bank, World Development Indicators, Available: <https://genderdata.worldbank.org/en/indicator/ic-reg-durs>(Accessed, March 2025).
- The World Bank, World Development Indicators, Available: <https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD> (Accessed, March 2025).
- The World Bank, World Development Indicators, Available: <https://data.worldbank.org/indicator/IC.TAX.TOTL.CP.ZS> (Accessed, March 2025).
- Unctad, World Investment Report 2024. (2025). *Greenfield FDI projects by destination*, <https://unctad.org/topic/investment/world-investment-report>
- Van Stel, A., Wennekers, S., Reynolds, P., & Thurik, R. (2004). Explaining variation in nascent entrepreneurship.
- Yolaç, S. (2015). An empirical study regarding entrepreneurship in Europe and central Asia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 195, 1097-1103.
- Zachary, M. A., Gianiodis, P. T., Payne, G. T., & Markman, G. D. (2015). Entry timing: Enduring lessons and future directions. *Journal of Management*, 41(5), 1388-1415.